



کلیه دستاوردهای این تحقیق متعلق به دانشگاه

الزهراس)س) می باشد.



دانشگاه الزهرا(س)

دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی

پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد

رشته مدیریت آموزشی

عنوان

نقش فرهنگ دانشگاهی بر دانش آفرینی از دیدگاه صاحب نظران نظام آموزش

عالی

استاد راهنما

دکتر فریبا عدلی

استاد مشاور

دکتر گلنار مهران

دانشجو

روناک ابراهیمی

اسفند ماه ۱۳۹۱

تقدیم به:

به تمام کسانی که از آنها آموختم

با سپاس از خداوند و همه ی کائنات و انسان های والایی که مرا در خلق این اثر یاری نمودند.

سپاس مرا بپذیرید:

اعضای مهربان خانواده ام که وجود یکایکتان دلگرمی همه ی لحظات زندگیم است. بی یاری شما عزیزان پیمودن این راه برایم ممکن نبود.

دکتر فریبا عدلی، استاد راهنمای بزرگوام، دقت، جدیت و صبر شما اطمینان در یادگیری را برایم به ارمغان داشت.

دکتر گلنار مهران، استاد مشاور گرانقدرم، به معنای واقعی به من آموختید که بدون بهانه و بی دریغ می توان فرصت یادگیری را با فراغ بال برای دیگری فراهم نمود

اساتید محترم گروه مدیریت آموزشی، سرکار خانم دکتر وزیر، صمدی، خادمی، رضازاده و جناب آقای دکتر غلامحسینی که در طول این دو سال خوشه چین دانشتان بوده ام

اعضای محترم موسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی جناب آقای دکتر ذاکر صالحی، جاودانی و مرجائی صمیمانه سپاسگزار و قدردان کمک ها و راهنمایی های ارزنده شما هستم

و مصاحبه شوندگان محترمی که بنا به مقتضیات، نامتان را اینجا ذکر نکرده ام قدردان و سپاسگزار مصاحبت ها و محبت های شما هستم

چکیده

فرهنگ یکی از بسترهای اصلی دانش آفرینی است. فرهنگ دانشگاهی به عنوان یکی از خرده فرهنگ های مهم جامعه تاثیر بسزایی بر رشد و توسعه دانش آفرینی در جوامع دارد. پژوهش حاضر با هدف بررسی « نقش فرهنگ دانشگاهی بر دانش آفرینی از دیدگاه صاحبان نظام آموزش عالی » انجام شد. که برای دست یابی به هدف فوق سوالات زیر طراحی گردید:

۱- مولفه های فرهنگ دانشگاهی ایران کدامند و وضعیت موجود آنها از دیدگاه صاحبان چگونه است؟

۲- مولفه های فرهنگی دانش آفرینی در دانشگاه های ایران از دیدگاه صاحبان کدامند؟

۳- بر اساس پاسخ سوال ۱ و ۲ آیا فرهنگ دانشگاهی ایران دارای ویژگی های فرهنگی دانش آفرین هست؟

۴- راهکار مناسب برای ایجاد فرهنگ دانشگاهی دانش آفرین چیست؟

شرکت کنندگان این پژوهش کیفی ۱۱ نفر از صاحبان حوزه مطالعات آموزش عالی بودند که بر اساس نمونه گزینی گلوله برفی گزینش شدند. ابزار گردآوری داده ها، مصاحبه های نیمه ساختار یافته بود. از روش تحلیل مضمون (تم) برای تحلیل مصاحبه استفاده شد. مولفه های فرهنگ دانشگاهی در ۱۰ تم دسته بندی شدند که عبارت بودند از استقلال آکادمیک، آزادی علمی، اخلاق حرفه ای، مدیریت، ارتباطات، مشارکت و انجام دادن کارگروهی، فرهنگ یادگیری، اعتماد بین اعضا، سیستم پاداش و ارزیابی. صاحبان وضعیت این مولفه ها را ضعیف و نامناسب توصیف کردند. مولفه های فرهنگ دانش آفرینی نیز در ۸ تم شناسایی شدند که عبارت بودند از روحیه جستجوگری، رعایت اخلاق حرفه ای، مدیریت مشارکتی، سیستم پاداش، اعتماد بین اعضا، بهادادن به کار گروهی و تیمی، آزادی علمی و فرهنگ یادگیری. یافته های پژوهش گویای آن است که اولاً از دید صاحبان فرهنگ دانشگاهی ایران با مولفه های فرهنگی دانش آفرین فاصله نسبتاً زیادی دارد و دوماً بین بسیاری از مولفه های فرهنگ دانشگاهی و مولفه های فرهنگی دانش آفرینی نیز همپوشانی وجود دارد.

کلمات کلیدی: فرهنگ دانشگاهی، دانش آفرینی

فهرست مطالب

۱	فصل اول: کلیات پژوهش
۱	مقدمه
۲	بیان مسأله
۴	اهمیت و ضرورت پژوهش
۵	اهداف پژوهش
۶	سوالات پژوهش
۶	تعاریف و اصطلاح های پژوهش
۷	فصل دوم: مبانی نظری و پیشینه پژوهش
۸	مقدمه
۸	فرهنگ
۱۰	فرهنگ سازمانی
۱۱	فرهنگ دانشگاهی
۱۲	فرهنگ دانشگاهی در مطالعات کلارک
۱۴	عناصر موثر بر فرهنگ دانشگاهی از دیدگاه کلارک
۱۶	فرهنگ دانشگاهی از دیدگاه گالتونگ
۱۶	مطالعات تیرنی
۱۸	فرهنگ دانشگاهی در مطالعات آستین
۲۴	دانش ، مدیریت دانش و دانش آفرینی
۳۱	تئوری های دانش آفرینی
۳۵	مدل های دانش آفرینی
۳۹	عوامل فرهنگی موثر بر دانش آفرینی

۴۶	پیشینه پژوهش
۵۵	جمع بندی و چارچوب نظری
۵۶	فصل سوم: روش شناسی پژوهش
۵۷	مقدمه
۵۷	روش پژوهش
۵۷	جامعه و نمونه پژوهش
۵۸	روش گردآوری اطلاعات
۵۸	فرایند مصاحبه
۵۹	روش تجزیه و تحلیل داده ها
۶۱	فصل چهارم: توصیف یافته ها
۶۲	مقدمه
۶۲	توصیف یافته ها
۷۹	فصل پنجم: تحلیل، مقایسه و تفسیر یافته ها
۸۰	مقدمه
۸۱	بحث و نتیجه گیری
۸۷	بعد فردی
۸۸	بعد سازمانی
۹۶	جمع بندی
۹۷	پیشنهاد های کاربردی
۹۷	پیشنهاد های پژوهشی
۹۸	محدودیت های پژوهش
۹۹	منابع

فصل اول

کلیات پژوهش

مقدمه

مقوله فرهنگ را می توان به مثابه بالاترین و والاترین عنصری دانست که در هویت یک جامعه نقش اساسی دارد. در واقع هر چند جامعه از ابعاد دیگر اقتصادی، سیاسی، صنعتی و نظامی قدرتمند باشد ولی بدون فرهنگ قوی و شایسته، هویت مناسب نداشته و پوچ و میان تهی است. افراد یک جامعه از فرهنگ تاثیر می پذیرند و به نوعی ارتزاق روحی و معنوی خود را از آن به دست می آورند؛ ضمن اینکه خود نیز بر آن اثر می گذارند و این، جزء ابعاد پیچیده فرهنگ است. یکی از وجوه فرهنگ، دانش است؛ ظهور و خلق دانش تا حد زیادی در دانشگاه ها انجام می گیرد.

دانشگاه به عنوان نهاد و نماد آموزش عالی کشور، نهادی اثر گذار بر فرهنگ جامعه به شمار می رود و از این حیث موضوع فرهنگ در سازمان دانشگاه به عنوان یکی از عناصر فرهنگ ساز جامعه، اهمیتی دو چندان می یابد. در واقع هم فرهنگ در جایگاهی بسیار والا و اثر گذار بر یک جامعه قرار دارد و هم دانشگاه در مقام مبدا همه تحولات یک کشور است. بنابراین از تعامل این دو، مقوله ای بسیار اثر گذار تحت عنوان فرهنگ دانشگاهی یا فرهنگ دانشگاه شکل می گیرد (ذوالفقاری، ۱۳۹۰) فرهنگ دانشگاهی به عنوان یکی از خرده فرهنگ های جامعه نقش بسزایی در رشد و توسعه علمی هر جامعه ای دارد، طوری که گفته شده است؛ بین مختصات فرهنگ دانشگاهی با میزان تولیدات علمی رابطه وجود دارد (فاضلی، ۱۳۸۷).

دانشگاه ها به عنوان سرچشمه های جوشان تولید علم و دانش بیشتر از هر سازمان دیگری رسالت دانش آفرینی را برعهده دارند و دانش آفرینی به عنوان یکی از مهم ترین کارکردهای دانشگاه اساس توسعه جامعه و قلب نوآوری است. شناسایی ویژگی ها و مولفه های فرهنگ دانشگاهی و ایجاد فرهنگ

دانشگاهی که بتواند این کارکرد مهم دانشگاه (دانش آفرینی) را تحقق بخشد امری ضروری و مهم است که در این پژوهش مورد بررسی قرار می‌گیرد.

بیان مسأله

دانایی مهم ترین و موثرترین سلاح انسان ها و راز بقای جوامع و تمدن بشری است. با گسترش روزافزون مرزهای دانایی برای توانا سازی هر چه بیشتر انسان ها، نهاد آموزش عالی یکی از مهم ترین و شاخص ترین نهادهایی است؛ که این مهم را بر عهده دارد. دانشگاه ها به عنوان نماد آموزش عالی، دارای ویژگی ها و کارکردهای ممتازی هستند که آن ها را از سایر سازمانها متمایز می سازد که می-توان از این ویژگی ها تحت عنوان "فرهنگ دانشگاهی" نام برد. فرهنگ دانشگاهی به معنای باورها، هنجارها، ارزش ها و فضای نمادین و نظام معنایی است که امکان تولید، توزیع و به کار بستن داده ها و یافته های علمی را فراهم می‌کند (فاضلی، ۱۳۸۷، ۱۳۸۲). فرهنگ دانشگاهی به مثابه ی یکی از خرده فرهنگ های جامعه یکی از زیر ساخت های توسعه علمی و دانش آفرینی در هر جامعه ای است.

تحقق جامعه ی دانش محور مستلزم دانش آفرینی مستمر است. دانش آفرینی در این جوامع منبع ضروری و پایدار مزیت رقابتی است. دانش آفرینی فرایند تبدیل دانش مستتر به دانش صریح است . بر اساس این تعریف دانش، پویا و دارای زمینه است و در نتیجه تعاملات اجتماعی خلق می شود و فعالیتی انسانی است. اما دانش در ذهن افراد قرار دارد و بدون مقدمه ظاهر نمی شود؛ بلکه ظهور آن مستلزم زمینه ای حاصلخیز و افشاندن بذریهایی است تا آشکار شود و پرورش یابد و فقدان زمینه مانع اصلی فرایند دانش آفرینی است(عدلی، ۱۳۸۵، ۱۳۸۷). فرهنگ دانشگاهی یکی از بسترهای مهم دانش آفرینی، است. شواهد و آمارهای گزارش شده توسط محققان نشان می دهد که نقش "فرهنگ دانشگاهی" به منزله خرده فرهنگی مستقل با ویژگی های خاص خود در روند توسعه علمی و عملکرد

نظام آموزش عالی در ایران نه تنها در مطالعات آموزش عالی و علمی پژوهشی مغفول مانده است، بلکه این مفهوم در کل برنامه ها و سیاست های آموزش عالی کشور نیز چندان شناخته شده نیست (فاضلی، ۱۳۸۷، ۱۳۸۲ و ذوالفقارزاده، ۱۳۹۰). و از سوی دیگر، امروزه لزوم شناخت و اشراف بر فرهنگ یک مجموعه به منظور مدیریت و رهبری هر چه بهتر آن بر کسی پوشیده نیست؛ به طوری که شاین^۱ بهره داشتن از دانش کافی و وسیع نسبت به مسائل فرهنگی در هر مجموعه یا سازمانی را از جمله ضروریات مدیریت و رهبری آن مجموعه می داند (شاین، ۲۰۰۴). اما مطالعات و تحقیقات در این زمینه در ایران نشان می دهد که بسیاری از سازمان ها از وجود و نحوه عملکرد فرهنگ سازمانی بی اطلاع هستند و در فرایند تغییر سازمانی عمدتاً به انجام تغییرات فیزیکی، ظاهری و قابل لمس و نمایش در کوتاه مدت می پردازند (زارعی متین، ۱۳۸۸) حوزه علم و پژوهش به طور عام و دانشگاه به عنوان یک نهاد و نماد اثر گذار در این حوزه به طور خاص از این قاعده مهم مستثنی نیست لذا شناسایی و توجه به فرهنگ دانشگاهی برای رشد دانش آفرینی و توسعه علمی امری ضروری و اجتناب ناپذیر است.

علاوه بر این در طی سال های اخیر با وجودی که شاهد افزایش و رشد تولید مقالات و ثبت آنها در پایگاه های اطلاعات علمی بوده ایم، رتبه علمی ایران در شاخص های بین المللی و رنکینگ های جهانی چندان در خور توجه نبوده است. به عنوان مثال کشور ایران در ساخت و کاربرد تکنولوژی (از جمله شاخص های مهم خلق دانش) رتبه ۱۰۱ را در بین کشورهای جهان دارد (عدلی، ۱۳۸۷). یا بر اساس مطالعه ای که در دانشگاه هاروارد درباره میزان و وضع توسعه یافتگی علمی و تکنولوژیکی کشورهای جهان انجام شده است، کشورهای جهان بر اساس دو معیار «تعداد حق امتیاز اختراعات به ازای هر یک میلیون نفر جمعیت» و «سهم صادرات تکنولوژیکی پیشرفته» به سه منطقه تکنولوژیکی نوآوران، کاربران و حذف شدگان تکنولوژیکی تقسیم شدند نتایج این مطالعه نشان داد که ایران در

^۱ Scheine

میان گروه حذف شدگان یعنی کشورهایی که در تولید و در جذب و مصرف تکنولوژیکی پیشرفته سهمی ندارند و یا سهم آنان ناچیز است قرار دارد (فاضلی، ۱۳۸۷) این شواهد بیانگر این است که دانشگاه ها در ایران تا حد زیادی در تحقق مهم ترین رسالت خود که دانش آفرینی است موفق نبوده اند؛ در پدید آمدن این وضعیت عوامل متعددی دخیل هستند، یکی از این عوامل، فرهنگ دانشگاهی است زیرا فرهنگ دانشگاهی یکی از بنیان ها و پیش شرط های توسعه علمی است. در این راستا و با توجه به ناکافی بودن پژوهش های انجام شده در زمینه فرهنگ دانشگاهی و ودانش آفرینی، پژوهش حاضر در صدد است تا ضمن شناسایی مولفه های فرهنگ دانشگاهی نقش آن را بر دانش آفرینی از دیدگاه صاحب نظران نظام آموزش عالی، در ایران مورد مذاقه قرار دهد.

اهمیت و ضرورت پژوهش

اهمیت و ضرورت انجام این پژوهش عبارتند از:

- بر اساس سند چشم انداز بیست ساله در افق ۱۴۰۴ « ایران احراز جایگاه نخست علمی در منطقه را هدف گذاری کرده است » دانشگاه ها برای تحقق این جایگاه باید به رسالت دانش آفرینی خود توجه بیشتری کنند رسالت عظیم دانشگاه در این امر نهفته است که با تولید دانش، نیازهای علمی، اجتماعی، سیاسی، مادی و غیره جامعه را تامین نماید. یکی از اصلی ترین دلایل توجه به دانش آفرینی در حوزه دانشگاه بر این امر استوار است که تا دانش از سوی دانشگاه به بدنه جامعه تزریق نشود، امکان مرتفع کردن مشکلات اجتماعی و اداری جامعه ممکن و مقدور نخواهد بود (سیادت و همکاران، ۱۳۸۹). دانش آفرینی و فرایند پویای آن نیز زمانی در جوامع دانشگاهی محقق می شود که بسترهای اولیه و زمینه ساز آن محقق شود از جمله زیر ساخت های تولید دانش در جوامع، تولید فرهنگ و

هنجارهای دانشگاهی و حرفه ای مرتبط با آن است بدون ایجاد این نرم افزارها و انتقال و درونی کردن آن نمی توان از نشو و نمای علمی صحبت کرد (مرجائی، ۱۳۹۰)

- با وجود فراوانی استعدادهای درخشان در همه جوامع، همه آنها به رشد و توسعه علمی دست پیدا نکرده اند تنها جوامعی که بستر فرهنگی مناسب و فرهنگ دانشگاهی مولد و نوآور داشته اند دانش آفرینی در آنها محقق شده است. بنابراین شناسایی و ایجاد فرهنگ دانشگاهی که بسترساز دانش آفرینی و توسعه علمی باشد امری ضروری و اجتناب ناپذیر است. ولی تا الان کمتر پژوهشی به این مهم پرداخته است.

- همانطور که در بیان مسأله نیز اشاره شد نقش فرهنگ دانشگاهی به منزله خرده فرهنگی مستقل با ویژگی های خاص خود در روند توسعه علمی و نظام آموزش عالی ایران چندان مورد توجه قرار نگرفته است (فاضلی، ۱۳۸۲) بنابراین شناسایی، ایجاد و تقویت فرهنگ دانشگاهی که این کارکردها را توسعه دهد و دانشگاه ها را در رسیدن به رسالتشان یاری دهد برای مدیران و سیاستگذاران آموزش عالی اهمیتی مضاعف دارد.

- فرهنگ از جمله عوامل اثر گذار بر دانش آفرینی است ولی در کمتر پژوهشی اشاره شده است که کدام یک از عوامل و مصادیق فرهنگی بر دانش آفرینی موثر است حال آنکه شناسایی این عوامل به سازمان ها کمک خواهد کرد تا با فراهم ساختن بستر مناسب شکل گیری این قابلیت ها را تسهیل نمایند.

اهداف پژوهش

- ۱- شناسایی مولفه های فرهنگ دانشگاهی ایران از دیدگاه صاحب نظران نظام آموزش عالی
- ۲- شناسایی مولفه های فرهنگی، دانش آفرینی در دانشگاه های ایران از دیدگاه صاحب نظران نظام آموزش عالی

سوالات پژوهش

- ۱- مولفه های فرهنگ دانشگاهی ایران کدامند و وضعیت موجود آنها از دیدگاه صاحب نظران چگونه است؟
- ۲- مولفه های فرهنگی دانش آفرینی در دانشگاه های ایران از دیدگاه صاحب نظران کدامند؟
- ۳- بر اساس پاسخ سوال ۱ و ۲ آیا فرهنگ دانشگاهی ایران دارای ویژگی های فرهنگی دانش آفرین هست؟
- ۴- راهکار مناسب برای ایجاد فرهنگ دانشگاهی دانش آفرین چیست؟

تعاریف و اصطلاح های پژوهش

فرهنگ دانشگاهی^۱: فرهنگ دانشگاهی در این پژوهش به معنای باورها، هنجارها، ارزش ها و فضای نمادین و نظام معنایی است که امکان تولید، توزیع و به کار بستن داده و یافته های علمی را فراهم می کند (فاضلی، ۱۳۸۷، ۱۳۸۲).

دانش آفرینی^۲: فرایند خود پیش رونده و مستمر تبدیل دانش مستتر به دانش صریح می باشد (نوناکا و تاکه اوچی، ۱۹۹۵).

^۱ Academic Culture
^۲ Knowledge creation

فصل دوم

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

مقدمه

در این فصل به بررسی مبانی نظری و آراء صاحبان نظر پیرامون موضوع پژوهش یعنی فرهنگ دانشگاهی و دانش آفرینی پرداخته می شود. ابتدا مفاهیم مربوط به فرهنگ و فرهنگ دانشگاهی و سپس مباحث دانش، مدیریت دانش و دانش آفرینی ارائه می شود و در آخر نیز پیشینه پژوهش های مربوطه در ایران و جهان بیان می شود.

فرهنگ

فرهنگ از جمله واژه ها و مفاهیم علوم اجتماعی و انسانی است که با وجود کاربرد بسیار فراوان اتفاق نظر چندانی بر سر تعریف آن وجود ندارد. این تنوع و تفاوت گسترده، از یک سو از دیدگاه ها و برداشت های متفاوت پژوهشگران نشات می گیرد و از سوی دیگر بر پیچیدگی و سیالیت زندگی اجتماعی دلالت دارد. در دایره المعارف بریتانیکا نزدیک به دوست تعریف گوناگون از فرهنگ ارائه شده است (حقیقی، ۱۳۸۸). از دید تایلور^۱ فرهنگ یا تمدن به مفهوم وسیع کلمه مجموعه ای پیچیده است که اعتقادات، باورها، اخلاق، قانون، هنر، عرف و دیگر قابلیت ها و عاداتی را در بر می گیرد که انسان به عنوان عضوی از جامعه کسب می کند (مور^۲، ۲۰۰۹) در نظر مالی نوسکی^۳ نیز فرهنگ، مجموعه ای متشکل از دست ساخته ها، کالاها، فرایندهای فنی، اندیشه ها، عادات و ارزش های موروثی و واقعی منحصر به فرد است که بایستی به شیوه خاص مطالعه شود (موری، ۲۰۰۹) شاین^۴

^۱ Tylor

^۲ Moore

^۳ Malinowski

^۴ Scheine

فرهنگ را الگویی از مفروضات مشترک اساسی و باورهایی که یک گروه اجتماعی (گروه سازمان جامعه) برای حل دو مسئله بنیادین تطابق با محیط بیرونی (شیوه ادامه بقا) و ایجاد انسجام درونی (شیوه در کنار هم ماندن) خلق، کشف یا ابداع کرده است تعریف می کند. این الگو در مسیر حرکت این گروه اعتبار یافته و ثابت کرده که سودمند و کارساز است و در نتیجه به عنوان شیوه درست ادراک، تفکر، احساس و رفتار به نسل بعد انتقال می یابد به این ترتیب فرهنگ در روبرویی با یک گروه یا مشکلات آموخته می شود (شاین، ۲۰۰۹) هافستد دو نوع فرهنگ را از هم تمیز می دهد: یک فرهنگ که در موسیقی، ادبیات و امثال آن جلوه می کند و تاکید آن بر یک محصول و یک دست ساخته است و میراث فرهنگی جامعه را شکل می دهد، دیگری "نرم افزاری ذهنی" است که پدیده ای جمعی است و همه مردمی که در آن محیط زندگی می کنند در آن سهیم هستند و اعضای یک گروه را از گروه های دیگر متمایز می سازد. این نوع فرهنگ شامل نهادها، نظام قانونی، شیوه اداره جامعه، الگوهای خانواده و هنجارهای اجتماعی است و کلا همه فعالیت ها، کنش های متقابل و داد و ستدهای جامعه را شامل می شود (احمد زاده کرمانی، ۱۳۹۰) با توجه به مفهوم فرهنگ و تعاریف آن می توان نتیجه گرفت که رفتار انسان اصولا بر باورهای فرهنگی او متکی است. باورهایی را فرهنگی می گوئیم که به صورت نسبی در جامعه پذیرش زیادی دارند. منشا این باورها متفاوت است. گاهی ریشه در شرایط تاریخی یا جغرافیایی یا مذهبی یا حوادث ویژه و یا در علم دارد. ولی آنچه که مسلم است این است که بخش اعظمی از باورهای فرهنگی در قالب اصول اعتقادی ظاهر می شوند و یا همچنین می توانند از تعاملات سازمانی ناشی شوند (حاجی خانی، ۱۳۸۶)

فرهنگ سازمانی

بیش از دو دهه قبل، مفهوم فرهنگ سازمانی در علوم مدیریت و سازمان به شکل جدی تر مطرح شد هافتسد مطرح می کند که فرهنگ سازمانی کل نگر، متأثر از تاریخ، مرتبط با مفاهیم انسان شناختی و اجتماعی است که دارای ظرافت خاص بوده و نسبتاً ثابت دارد. کریس آرجریس^۱ فرهنگ سازمانی را نظامی زنده می خواند و آن را در قالب رفتاری که مردم در عمل از خود آشکار می سازند، راهی که بر پایه آن می اندیشند و احساس می کنند و شیوه ای که به طور واقعی می اندیشند و احساس می کنند و شیوه ای که به طور واقعی با هم رفتار می کنند تعریف می کند. آنچه از این تعاریف برمی آید این است که فرهنگ سازمانی عبارتست از مجموعه ارزشها، باورها، درک و استنباط و شیوه تفکر و اندیشیدن که اعضای سازمان در آنها وجوه مشترک داشته و در اثر تعامل بین محیط بیرونی و درونی ظهور و بروز می یابد (سیادت و همکاران، ۱۳۸۷). در هر سازمانی نامرئی ترین عنصر سازمان فرهنگ سازمانی است. و عامل اصلی در شکست و موفقیت هر سازمانی فرهنگ سازمانی است نقش فرهنگ برای جامعه یا سازمان در حکم شخصیت برای فرد است همچنان که شخصیت افراد آنها را از دیگران متمایز می سازد فرهنگ یک سازمان یا جامعه نیز آن جامعه را از دیگر جوامع یا سازمانها متمایز می سازد و همچنانکه جوامع دارای فرهنگ منحصر به فرد و خاص خود هستند هر سازمانی نیز فرهنگ خاص خود را دارد و موفقیت و شکست سازمان ها بستگی به فرهنگ حاکم آنها دارد. از آنجا که هدف پژوهش حاضرشناسایی مولفه های فرهنگ دانشگاهی و مولفه های فرهنگی دانش آفرینی است و دانشگاه سازمانی است با کارکردهای متمایز، نظیر تولید، انتشار و کاربست دانش که بسیاری از ذینفعان آن (استادان، مدیران، دانشجویان) بر خلاف بسیاری از سازمان ها به طور همزمان در آن

^۱ Chris Argyris

حضور و تعامل جدی دارند (ذوالفقاری، ۱۳۹۰) بنابراین در این بخش فرهنگ دانشگاهی متناسب با ویژگی ها و کارکردهای مختص سازمان دانشگاه بررسی می شود.

فرهنگ دانشگاهی

می توان شروع نظامند مقوله فرهنگ دانشگاهی در سازمان دانشگاه و آموزش عالی را همزمان با مطالعات فرهنگ سازمانی دانست و به نوعی خاستگاه اصلی افزایش بهره گیری از فرهنگ سازمانی در دانشگاه ها را کم و بیش از همان مسائلی دانست که به خاطر آن اندیشمندان مدیریت به سراغ مطالعه این مقوله مهم آمدند. مسائلی نظیر رقابتی تر شدن محیط، کاهش منابع مالی عمومی، تغییرات بوجود آمده در نقش دانشگاه ها در جامعه و احساس نیاز بیشتر به مدیریت دانشگاهی برای پاسخ به مسائلی چون انطباق با محیط، اثربخشی، ارزیابی، ارتباطات، پاسخگویی و هماهنگی (ذوالفقاری، ۱۳۹۰).
ماسن^۱ منشاء توجه به مفهوم فرهنگ در بین پژوهشگران عرصه مطالعات آموزش عالی را در سه مورد خلاصه می کند: منشاء نخست به ابتکار کلارک^۲ با عنوان حماسه های سازمانی باز می گردد؛ منشاء دوم، بر واکنش های نسبی ای دلالت دارد که به پوزیتیویسم منطقی و روش های کمی صورت گرفته است و منشاء سوم، ناظر بر رشد مفاهیم مدیریتی و سیاستی در حیطه آموزش عالی است که از آن با عنوان انقلاب مدیریتی در این عرصه نیز یاد می شود. این عوامل که وجه مشترک همه آنها، عزم پژوهشگران در مطالعه ابعاد غیر عقلایی یا نمادین آموزش عالی است، باعث شده تا به کاربرد مفهوم فرهنگ در آموزش عالی توجه شود (امیری، ۱۳۸۹)

^۱ Massen

^۲ B. R. Clark